

سپاه، نور را به رخ کشید

((صفحه ۴))

توهم گرگ وال استریت

استقبال مردم از بازار بورس، خوب یا بد؟

((صفحه ۲))

زمین های سوخته

سرمقاله
مرضیه انبری

« با چه حقی هر روز دست تو جیب مردم می‌کنیم و پول مردم را نصفش برداشت می‌کنیم؟ ارزش پول ملی را نصف کرده‌ایم و هنوز هم شعار می‌دهیم؟ تورم بالای ۳۰ درصد، کاهش قدرت خرید پول ملی به کمتر از نصف، بیکاری بالای ۱۳ درصد و رشد اقتصادی صفر یا حتی منفی. چقدر شرم آور است که بانک مرکزی ما سکوت کند و IMF (صندوق بین‌المللی پول) برای ما اعلام کند که رشد امسال ما منفی بود. قرار بود که رشد ۸ درصد و قرار بود نرخ تورم و بیکاری تک رقمی شود. همه ضعف‌ها و همه ناکارآمدی‌ها را نمی‌توان پای تحریم نوشت. من دولت راستگویان و درستکاران را تشکیل خواهم داد. »

بخشی از نطق انتخاباتی حسن روحانی در اجتماع هواداران خود در ۲۲ فروردین ۹۲ زمان زیاد هم به سرعت نمی‌گذرد تا فریاد های حجت الاسلام روحانی در دانشگاه‌ها را فراموش کند، همان روزهای خرداد ۹۲ که از نصف شدن ارزش پول ملی و غیره و ذلک سخن می‌گفت و تا سال‌ها بعد از تشکیل دولت تدبیر و امید تمام مصائب عالم را به دولت ماقبل ارجاع میداد اما از قضا زمانه کلید سعادت از دستان وارث اصلاحات گرفت و ورق برگشت. تا باز گردیم به روزهای هر نه روز یک بحران. نه، در واقع هر روز یک بحران! هر روز بازار یکی از اقلام مورد نیاز مردم به مصاف غول تورم میرود، غذا، خودرو، موبایل و ... و دولت مردان نیز که به منتها الیه تدابیر اقتصادی نائل آمده اند چاره میکنند که مردم فعلاً فلان چیز را نخرند! و سپس نسیان گریبان گیر مصیبت نازل شده میشود و فراموش میکنیم ۴/۸ میلیارد دلار گم شده را، برداشت های صندوق توسعه ی ملی را، حقوق ناچیز کارگران را و ... و از سوی دیگر وقاحت نیز

ادامه مطلب، صفحه بعد ▶



تشکیل وزارت بازرگانی، خط قرمز جدید دولت روحانی

روایتی از ماجرای عزل وزیر صمت

((صفحه ۳))

طغیان کالیفرنیا

پیروزی جنبش کالگریزیت تا چه حد محتمل خواهد بود؟

((صفحه ۸))

محشر ابابیل

به بهانه پنجم اردیبهشت، سالگرد عملیات طبس

((صفحه ۶))

فرصت آفرینی تحریم ها

تولید محوری شرط اصلی شکل گیری ثبات اقتصادی

((صفحه ۷))

توهم گرگ وال استریت

استقبال مردم از بازار بورس، خوب یا بد؟

معصومه کرمی



متورم میشود و اصحاب تدبیر و امید دست به دامان میراث همان دولت کذایی قبل جهت آرام کردن اوضاع کشور میشوند به سمت آخرین خرمن های سالم این دشت سوخته یعنی سهام عدالت که در طی این سال ها ارزش آن شانزده برابر شده است میروند و برای مردم بهشت برین عاری از ادله ی متفن ترسیم میکنند تا آخرین سرمایه ایشان را به کارزار پر از ریسک بورس روانه کنند. بدون این که یک بار پاسخ گو باشند، این بهشت حباب است یا حقیقت و اگر حقیقت است چرا چنین در این آشفته بازار نبرد اقتصادی خوب و اکمل جلوه گیری می کند، و آیا پس از ورود این حجم از نقدینگی به بازار بورس و کم شدن نقدینگی کشور جهت کنترل تورم، دولت ضامنی برای بقای تازه واردان این عرصه خواهد بود؟ یا مطابق سنوات گذشته و مسلک نئولیبرالی میگویند که قیم مردم نیستیم؟! دولتی که بنا به اقبه ی خود یعنی ارتش سری اصلاحات هیچگاه اقتصاد و نان مردم را مقدم بر حرافی های طولانی و مضحک خود پیرامون سیاست و مذاکره نکرد، این بار خود دست به ایجاد طوفانی سهمگین میزند. دوران پسا کرونا خواهد رسید با توده های بیشمار زیان دیده از رکود اقتصاد، بیکاران بسیار، و حتی شاید مالباختگان جدید که با توهم یک شبه گرگ وال استریت شدن، سهام خود را از بهترین شرکت های دولتی که سال ها سهام عدالت در آن جریان داشت خارج کرده و به دنبال بازدهی سریع تر خودشان دست به کار میشوند. اما اگر تدبیری برای آینده نباشد شهر آشوب هایی خونین تر از آبان ۹۸ در پی خواهد بود. درخواست کنترل بازار از کسانی که با ناکارآمدی خویش اثبات کرده اند هیچ حرجی بر آنان نیست برای خود ما نیز خنده دار شده است اما آخرین خواسته ی ما اثبات واقعی بودن بهشتی است که در تالار شیشه ای بورس برای مردم و آخرین خرمن باقی مانده ی ایشان ترسیم میشود.

و در غیر این صورت ایمان می آوریم، سال آخر مساوی است با استراتژی زمین های سوخته که قرار نیست ارزشی برای نسل بعد از اصلاحطلبان و اعتدالگرایان باقی بماند. شماره ۳۵ نشریه بی تعارف و تحلیل دانشجویی آن چه در اردیبهشت ۹۹ بر ایران گذشت تقدیم شما.

یک ETF پوشالی مبنی بر سودآوری بورس میکند. صندوق از محرک های مشوق برای سهامداران خرد است که اطلاعات تخصصی از وضعیت کلان بازار ندارند و به دنبال سرمایه گذاری و خرید سهامی هستند که قدرت نقدینگی بالایی داشته باشد.

از دیگر مزایای این صندوق معافیت مالیاتی معاملات واحدها، متنوع سازی با حذف هزینه و صرف زمان اندک، سادگی، سهولت و سرعت در معامله بورس مانند سهام عادی، کاهش زمان تسویه نسبت به سایر صندوق ها، خرید و فروش آنلاین واحدهای صندوق، نداشتن دامنه نوسان برای معاملات روزانه است. لکن این ایده یک مشکل بنیادی دارد آن هم این است که اساس این ایده خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی است.

در متن این قانون صریحا ذکر شده است که مالکیت و مدیریت شرکت ها هر دو باید واگذار شوند اما کاری که دولت در حال حاضر انجام می دهد این است که به رغم واگذاری سهام، مدیریت را در دست خورد نگه میدارد.

دولت اعلام کرده است که بعد از سال ۱۴۰۰ مدیریت بنگاه ها نیز به صورت تدریجی به مردم واگذار خواهد شد، اما سوالی که مطرح میشود این است بعد از سال ۱۴۰۰ به جز تعویض دولت کنونی چه اتفاقی خواهد افتاد؟ دولت این کار را با هدف خصوصی سازی انجام میدهد، اما گویا هدف خصوصی سازی را که افزایش بهره وری و اصلاح مدیریت ها است، فراموش کرده است. اگر مدیریت دولتی باقی بماند، باید برای اداره آنها ساختار جدیدی شکل گیرد که به کارمندان و ساختمان مجزا نیاز دارد. علاوه بر صرف هزینه فساد های دیگری نیز متوجه

این ساختار است که این رویه و مقصدی که دارد با صحبت های رئیس جمهور در خصوص بورس و عرضه سهام دولت مغایرت دارد.

«جای اصلی فساد ستیزی اینجاست که به شفافیت و رقابتی بودن کمک

میکند»

حسن روحانی ۲۷ اردیبهشت ۹۹

السته بخش بودجه دولت را از بابت حجم بالای تقاضا که به معنی بالا رفتن قیمت سهام متعلق به آنهاست، خوشحال میکند اما برخی دیگر هم نگران تشدید حرکات احساسی در بازار سرمایه اند. دولت با وجود چنین شرایطی میتواند بخشی از بودجه سال جاری را تامین کند. در شرایطی که اوضاع اقتصادی جهان و البته ایران تحت تأثیر پیامدهای کرونا قرار گرفته است و نفت و تجارت آن نیز از این قاعده مستثنا نیستند و از آنجایی که بخش اعظمی از بودجه سال جاری بر پایه درآمد حاصل از فروش نفت بود، بورس از نظر دولت آسان ترین و کوتاه ترین راه حل موجود برای رسیدن به هدف ثبات اقتصادی در شرایط کنونی است.

در راستای همین هدف دولت شروع به تشویق سرمایه گذاری و دادن وعده های مجددا یا «صندوق واسطه گری مال یکم»

در کشور ما یک محال رخ داده است. عدم تبعیت بورس از وقایع بزرگ این روز ها و حرکت در خلاف پیامدهای ویروس کرونا.

از اوایل سال جدید کشور شاهد رشد بی سابقه شاخص های عرضه در بورس شده است. بلاشک اگر در این

روند مدیریت علمی درستی انجام نشود، شاهد ضرر و زیان در سطح گسترده خواهیم بود.

تشکیل وزارت بازرگانی، خط قرمز جدید دولت روحانی

روایتی از ماجرای عزل وزیر صمت

بهار سعیدی



وزارت بازرگانی به حدی برای دولت حیاتی است که به یکی از خط قرمزهایش تبدیل شده است! نکته جالب آن است که تقریباً قریب به اتفاق کارشناسان اقتصادی، تشکیل این وزارت خانه را به صلاح اقتصاد کشور ندانسته و معتقدند تشکیل این وزارتخانه منجر به تامین نیازهای کشور از طریق واردات، بدون توجه به پتانسیل های تولیدی شده و مشخصاً در راستای تامین منافع وارد کنندگان است. در حالی که مهمترین راهبرد اقتصادی در شرایط تحریمی توجه به ظرفیت های تولیدی بوده، این حجم از پافشاری برای تشکیل وزارتخانه ای که به گفته کارشناسان به شکل گیری پایه های تولید محوری در کشور، آسیب می زند، کمی عجیب به نظر می رسد.

دهد. امیرآبادی فراهانی، نماینده مردم قم نیز در توثیقی گفت که برکناری وزیر صمت به دلیل افزایش ناگهانی قیمت خودرو نبوده بلکه به رحمانی ابلاغ شده بود که در صورت عدم تصویب طرح وزارت بازرگانی، باید استعفا دهد، وزیر هم استعفا را نپذیرفت و برکنار شد.

بعد از انتشار نامه وزیر معزول، روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری در واکنش به ادعای رحمانی در خصوص این نامه، رحمانی را به لابی گری با نزدیکانش برای عدم تصویب طرح متهم کرد و گفت که به هیچ وجه از ایشان خواسته نشده که از لایحه دولت حمایت کند. بلکه تاکید شده از فعالیت ها و رایزنی های فشرده سه نفر از نزدیکانش در مجلس و رسانه ها علیه لایحه دولت

رای گذاشته شد و با مخالفت نمایندگان، طرح تشکیل وزارت بازرگانی از دستور کار مجلس خارج گردید.

بعد از اعلام خبر عدم تصویب این طرح، خبر ناگهانی عزل وزیر صمت منتشر شد. هرچند دولت، آشفتگی بازار خودرو و عدم توانایی ایشان در کنترل قیمت این بازار را به عنوان دلیل برکناری رضا رحمانی اعلام کرد اما برکناری ناگهانی وزیر صمت درست بعد از عدم تصویب لایحه مربوط به این وزارتخانه، دلایل دیگری را برای این برکناری خاطر نشان می کرد. با انتشار خبر نامه ی بدون تاریخ و شماره وزیر معزول، خطاب به روحانی، احتمال ارتباط برکناری رحمانی با عدم تصویب لایحه وزارت بازرگانی قوت گرفت. رحمانی در این نامه ذکر کرده است که مشی دولت مبنی بر تشکیل وزارت بازرگانی بوده و از وی خواسته شده در این خصوص با نماینده های مجلس لابی کند. هفدهم اردیبهشت نیز، محمود واعظی به او گفته، در صورت رای نیاوردن طرح تشکیل وزارت بازرگانی، از این سمت برکنار میشود و در نهایت روز دوشنبه، واعظی در تماسی تلفنی از وی خواسته تا از سمت خود استعفا

چند سالی است که دولت روحانی جداسازی وزارت بازرگانی از وزارت صمت را در دستور کار خود قرار داده است. وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۹۰ با ادغام دو وزارتخانه صنایع و معادن و بازرگانی تشکیل شد. در سال ۱۳۹۴ با گذشت چهار سال از ادغام این دو وزارتخانه مجدداً زمزمه هایی راجع به احیای مجدد وزارت بازرگانی مطرح شد. در سال ۹۶، دولت در لایحه ای، انفصال بخش بازرگانی از وزارت صمت را به مجلس برد که مجلسی ها دست رد به سینه این طرح زدند. در نهایت پس از سه بار رد درخواست دولت توسط مجلس، دولت توانست رای مثبت مجلس را بدست آورد. با ارجاع مصوبه به شورای نگهبان و طرح ایرادات این شورا، کمیسیون برای رفع یکی از این ایرادات، مصوب کرد که از تاریخ تصویب این قانون، کلیه وظایف و اختیارات هر یک از وزارتخانه های بازرگانی و صنایع و معادن، مطابق وظایف و اختیارات دستگاه تابع آنها قبل از قانون تشکیل دو وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صنعت، معدن، تجارت؛ مصوب تیر ۹۸ است. این مصوبه کمیسیون در بیست و یکم اردیبهشت در صحن علنی مجلس به

شاید نتوان به نتیجه رسید که بالاخره رحمانی علیه لایحه لابی کرده یا دولت رحمانی را به لابی برای تشکیل وزارت بازرگانی تشویق کرده است! اما قطعاً می توان به این نتیجه رسید که تشکیل وزارت بازرگانی به حدی برای دولت حیاتی است که به یکی از خط قرمزهایش تبدیل شده است!

ممانعت به عمل آورد! با این وجود، شاید نتوان به نتیجه رسید که بالاخره رحمانی علیه لایحه لابی کرده یا دولت رحمانی را به لابی برای تشکیل وزارت بازرگانی تشویق کرده است! اما قطعاً می توان به این نتیجه رسید که تشکیل

سپاه، نور را به رخ کشید

فاطمه علیزادینیا

هایپر سونیک با برد بالای ۴۵۵۵ کیلومتر است. شاید به همین دلیل بود که با وجود ماهواره برهائی که میتوانستند این ماهواره را در مدار قرار دهند، سپاه از این موشک رونمایی کرد که اقتدار و بازدارندگی خود را به رخ بکشد.

در شرایطی که موشک های خریداری شده عربستان سعودی توانایی اصابت به اهدافی در حوزه آسیای شرقی و حتی ژاپن را دارد، ایران باید برای حفظ توازن قدرت موشکی در منطقه کاری انجام میداد تا علاوه بر دلگرمی دوستان، به دشمنان هم این گرا را بدهد که سپاه از این به بعد از آسمان به زمین نگاه میکند.

نکته دیگری که گمان قدرت نمایی و به رخ کشیدن صنعت دفاعی ایران را در پرتاب این ماهواره تقویت میکند، استفاده از لانچر متحرک برای پرتاب ماهواره بر است که معمولاً این عمل در پرتاب های فضایی مرسوم نیست.

برای مثال در پرتاب های قبلی که از لانچر ثابت پایگاه انجام میشد، از چند هفته قبل فعالیت پایگاه توسط جاسوسان هوایی دشمن رصد و رهگیری میشد اما این پرتاب غافلگیرانه باعث شد این پیام به دشمنان مخابره شود که ایران در هر زمان و در هر مکانی قابلیت شلیک موشکهای قاره پیما به دشمن متخاصم را دارد.

شاید بهترین تعبیر برای این دستاورد بزرگ بومی را الی براون کارشناس مسائل خاورمیانه رژیم صهیونیستی داشته باشد که گفته بود دوران راکت ها را فراموش کنید. امروز موشکهای ایران مثل ماشینی که با جی پی اس حرکت میکند، دقیق خواهند بود.



اضافه خواهد شد یعنی در افق آینده میتوان امید داشت که همگام سازی همه یگان های عملیاتی در جنگ های لایه ای و هیبریدی انجام پذیرد. به مفهوم ساده تر یعنی زین پس میتوانیم رفتار یک جنگنده در آسمان را با

تانک ها و نفربرهای روی زمین هماهنگ کنیم بگونه ای که با تلفیق و اشتراک گذاری دقیق اطلاعات با یکدیگر، در کوتاهترین زمان ممکن بهترین تصمیم در باب رزم زمینی و هوایی و دریایی از اتاق فرماندهی اعلام شود.

اما نکته ای که در جریان پرتاب ماهواره بر نور از چشم بسیاری از ما مغفول مانده است، ماهواره بر قاصد بود که اولین موشک سه مرحله ای ایرانی محسوب میشود و با اندکی تغییرات پتانسیل تبدیل شدن به یک موشک بالستیک

بلند و تهدیدات برد بلند را بصورت ویژه رصد کند و با تهیه نقشه های هوایی از تحرکات سالانه دشمن متوجه شود که طرح عملیاتی دشمن در زمین مورد نبرد ایدایی است یا خیر.

اما دسترسی نظامی به فضا مفهوم هدایت و ناوبری در زمینه موشک های بالستیک میان برد و بلند برد ایران را بطور اساسی متحول میکند. این یعنی موشک بالستیک شلیک شده از پایگاه دشمن حتی اگر بتواند از پس پدافندهای پیشگیرانه ایران جان سالم به در ببرد با ورود به فضا در دم منهدم خواهد شد. به بیان دیگر اگر برنامه موشکی ایران با این سیستم ناوبری جدید ترکیب شود، انهدام اهداف در فضا به مجموعه توانمندی های ایران

«پاک و منزه است خدایی که این را مسخر ما گردانید و گر نه ما هرگز قادر بر آن نبودیم...»

آیه ۳۱ سوره زخرف

بامداد روز چهارشنبه سوم اردیبهشت ماه خبری غیر رسمی در رسانه های جهان دست بدست میشد. چند ساعت بعد اما همه میدانستند که ایران موفق به پرتاب اولین ماهواره نظامی خود به فضا شده است و ماهواره در ۵۲۴ کیلومتری زمین بخوبی در مدار قرار گرفته است.

ماهواره نور از چشاند جهت نقطه آغازین یک دوران کامال جدید است. پرتاب این ماهواره آغاز استفاده نظامی ایران از فضا است که مهمترین خاصیت آن رسیدن به سطحی کاملاً جدید و بی سابقه از اشراف اطلاعاتی بر فضاهای اختصاصی و اشتراکی ایران است. به بیان دیگر ایران در طی ادامه این مسیر میتواند شکل گیری یک تهدید موشکی را از همان لحظه آغاز سوخت گیری موشک های متخاصم در هر کجای جهان که باشد تشخیص دهد و تحولات میدانی را به دور از سانسور طرف های فروشنده اطلاعات نظامی بررسی و تحلیل کند. این امر توان دفاعی و موشکی ایران را در حراست از آسمان خود به اصطلاح فضا پایه میکند. یعنی ایران با این ماهواره در زمره معدود کشورهای قرار گرفت که دارای سیستم هشدار دهنده فضایی هستند. نکته دیگر اما این است که ایران در مسیر استفاده نظامی از فضا میتواند فضاهای حیاتی دشمن در دور دست (استراتژی دست

از خلیج خواهشا فارس تا خلیج همیشه فارس

معصومه کرمی

داشته باشند به خود می بالند و بعد از ملاقاتش این پیر فرزانه را مسیح میخوانند.

اکنون است که باید شکر گذار پدرانی بود که تغییری رقم زدند که یگانه قدرت کشی رانی جهان و یکه تاز دریاهای زمانه ای نه چندان دور که خورشید را در مرزهایش بی غروب می خواند، برای آزادی نفت کشی که زیر پوتین های ابر مردان سبز پوش تسخیر شده برای آزادی اموالش دست به دامن کشورهای ثالث شود و آخر بگوید هر آنچه شما بگویید.

اما اکنون در خلیج همیشه فارس ما بزرگ زورمندان عالم اگر بخواهد از قایق های صیادی این مملکت حتی سوالی بیرسد با اشاره ی انگشت همان سبز پوش استوار قامت روبرو میشود که این دور و بر پیداتان نشود.

شاه خود به دیدار آنها شتافت. اما این فقره را برخی از پدر بزرگ و مادر بزرگ هایی که هنوز در میان ما هستند به خاطر دارند روزی را که حکومتی ذلیل با خواهش و تمنا این خلیج را فارس می خواند و شاه خودش در تلویزیون اعلام می کرد که ما خودمان بخشی از این سرزمین به نام بحرین را به شیخ های خلیجی بخشیدیم. حقا که مایغیرالله ما بقوم الامایغیرو ما بانفسهم. خداوند تغییر مردم را دید و تغییر را برای آن ملت مقدر کرد.

رسانید روزی را که رهبر آن مملکت با عزمی راسخ خلیج را فارس می خواند و در جواب یاهو گوین کاخ سفید می گوید خلیج فارس خانه ی ماست شما اینجا چه می کنید؟ روسای آن ممالک زورمند قدیم حالا اگر با رهبر این مملکت در آن اتاق ساده اش عکسی

اما به راستی چند سال گذشت تا ایرانیان با دل و جان باور کنند که اوست که عزت می دهد هر که را که بخواهد؟

تاریخ گواه است که روزی نیروهای سه ابر قدرت خونخوار آن دوران و شیران بی یال و کوبال دوران کنونی در این سرزمین از طریق همین خلیج فارس بی اطلاع شاه آن مملکت وارد کشور شدند و مملکت را یکروزه اشغال نمودند. با مصادره ی آذوقه و قوت مردم این مملکت ۹ میلیون نفر را کشتند و بعد ها سران حکومت هایشان در زمان مثلاً شاه بعدی، و باز هم بدون اطلاع او با چکمه هایشان در کاخ سعد آباد نشستند و عکس گرفتند و شاه مملکت حتی خبر نداشت آنها آمده اند و بعد چنان دلشزدانند که حتی حاضر نشدند مقامش را ظاهراً پاس دارند علی الاقل او را در محل کارش ملاقات کنند و به ناچار این ذلیل

در ماهی که گذشت تصویر صحنه ای در فضای مجازی پخش شد که گویای شکایت ابر قدرت جهان کنونی از قایق هایی بود که برای ابر ناوشان مزاحمت ایجاد کرده بود و با پخش آن فیلم می خواستند به جهانیان بفهمانند که نگاه کنید ایران ما را اذیت می کند گویی طفلی به مادرش شکایت فردی را می کند که او را آزاده است.

می خواستند ایران را تحت فشار قرار دهند اما نمی دانستند اوست که یعز من یشاء و یدل من یشاء و انگشت آن ابر مرد سبز پوش که به بزرگ آمریکایی ها اشاره می کرد که بار دیگر این دور ویر بینمندان انگشت را در حال لمس ماشه خواهید دید. و شد آنچه باید میشد. چنان غروری در ایران دمیده شد که ضد انقلاب هم در دل و در صفحه های مجازیشان مجیز گوی حرکت این مرد شدند.

جدال نور با شب ۲۲۳۱

ارجاع پرونده ی ماهواره نور ایران توسط آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل متحد

مرضیه انبری



در حالی که طی سال های گذشته پس از برنامه هسته ای ایران همواره برنامه ی موشکی ایران محل جدال اصحاب سیاست بوده است و به مناسبت های با ربط و بی ربط عده ای در توقف آن کوشیده اند و خاصیت این برنامه دفاعی را بیهوده عنوان کرده اند و عده ای عدم توسعه ی آن را منتهی به رفع تحریم ها دانسته اند اما با استقلال دستگاه های نظامی کشور از ارگان های دولتی این مسئله طی سالیان متمادی از دوران جنگ تا کنون مستقلا به پیشرفت خود با حداقل بودجه لازم ادامه داده است. اما آن چه در سابقه ی تحقق برجام رخ داد نشان داد تا ماهیت اهرم های قدرت کشور برای مردم شفاف سازی نشود حساسیت لازم در جهت دفاع از این دستاورد ها به بدنه ی اجتماعی منتقل نخواهد شد. فی المثل کاربرد های انرژی صلح آمیز هسته ای که هیچ گاه وارد آموزش عمومی نشد، اما کسی گمان نمیکرد در یک جنگ واقعی موشک ها خود را به مردم معرفی کنند. آن موشک منحوس یعنی آذرخش آمریکایی که بامداد ۱۳ دی ۹۸ در فرودگاه بغداد فرمانده ی سپاه قدس یعنی شهید سردار حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساند و آن موشک هایی که میراث شهید سردار طهرانی مقدم بودند و سسه روز بعد پس از یک قرن اولین حمله ی نظامی به یک پایگاه آمریکایی را رقم زدند و اهالی پنتاگون و مزدوران منطقه ای شان را دچار انواع مرگ های مغزی کردند، صنعت موشکی را وارد زبان ها ساختند تا حماقت و خیانت پرازنده ی انکار کنندگان زنده ی این صنعت و انکار کنندگان مغروق استخر فرح باشد.

اما زمانی که جهان درگیر جدال با خشم طبیعت بود و آمریکا که به قتلگاه قربانیان کرونا تبدیل شده بود مجال ایران ستیزی دائمی خود را نداشت، پاتک اطلاعاتی ایران و ورود به میدان پنجم مبارزه کابوس یک دهه قبل را برای آمریکا به ارمغان آورد. پس از زمین، دریا، هوا، سایبر اکنون ایران در میدان پنجم یعنی فضا که نیمی از ماهواره ی نظامی حاضر در فضا متعلق به آمریکا هستند مهمان ناخوانده ی تمامیت خواهی آمریکا شد. ماهواره نور با موفقیت در مدار ۴۵۰ کیلومتری قرار گرفت تا یکی دیگر از کمبود های دفاعی و نظامی کشور که گاه و بی گاه خود را نشان میداد مرتفع گردد. در مثال عینی و واضح در سیل سراسری بهار سال ۹۸ که

به خاطر پهنه ی جغرافیایی وسیع پهبادها کارایی لازم را نداشتند اما اکنون در صورت بروز بلایای طبیعی با استفاده از ماهواره این مشکل قابل حل خواهد بود.

اما غیر منتظره بودن این رویداد و عدم درز اطلاعاتی یک ابرپروژه بر خشم مضاعف رقبا افزوده کرد تا مجددا قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد رایادآور شوند و ایران را متهم به نقض آن کنند. و این در حالی رخ داد که آمریکا با خروج از توافق برجام اولین نقض کننده ی توافق و قطعنامه ی مرتبط با آن بوده است و مشخص نیست بر اساس چه حقی به قطعنامه ای اشاره می کند که خود ناقض آن است. اما ۲۲۳۱ به چه مسئله ای اشاره

داشت؟

هرچند سال ها است که از سوی برخی کشور ها همچون آمریکا موشک یک سلاح کشتار جمعی تعریف می شود که باید مانع دستیابی کشور ها به آن شد اما در عمل دولت ها سعی در تقویت بنیه ی دفاعی خود در نبرد های نظامی نوین دارند و به اذعان بوق های تبلیغاتی سعودی و انگلیسی و آمریکایی نیز نیروی هوافضای سپاه جمهوری اسلامی ایران همپا و حتی بیشتر از نیروی سپاه قدس نقش بازدارنده ی جنگ در مرز های ایران را داشته است. اما به هر حال در زمان انعقاد برجام اشارتی غیر مستقیم به محدودیت توسعه ی برنامه ی موشکی ایران در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ شد که برخی از آن تعبیر به مقدمه ی برجام موشکی کردند.

در واقع آن چه در قطعنامه ی مذکور متوجه ایران شده بود عدم ساخت و توسعه ی موشک های بالستیک دارای قدرت حمل کلاهک هسته ای بود و از طرفی این مرقومه به صورت توصیه نگاشته شده و الزامی در آن وجود ندارد بر خلاف قطعنامه ی ۱۹۲۹ که

تصمیم شورای امنیت را به ایران مقرر میکرد و از همه مهم تر منظور قطعنامه ۲۲۳۱ موشک هایی بود که برای حمل کلاهک هسته ای طراحی میشوند نه موشک های بالستیک که مستعد آن هستند. از سویی پس از احقاق حق هسته ای ایران در مجامع جهانی و اثبات صلح آمیز بودن این برنامه پس از بازرسی آژانس انرژی اتمی فرضیه ی موشک ها دارای کلاهک هسته ای منتفی خواهد بود هرچند رهبر انقلاب بار ها در طی سالیان طولانی مذاکرات هسته ای تاکید داشته اند ما از صلاح هسته ای به دلایل دینی و انسان دوستانه استفاده نخواهیم کرد. اما به هر جهت افزایش توان نظامی ایران با ورود به عرصه ی فضایی و مسدود کردن هرگونه حرکت غافلگیرانه علیه مواضع ایران و نوید موشک های قاره پیمای نوین که ماهواره پر قاصد نشانه ای از آن ها است. آمریکا را اسیر تقلا ی بیهوده ساخته تا از بین برجام و قطعنامه ای که خود متهم پاره کردن آن است سرنخی جهت محکوم کردن ایران پیدا کند و شبح تهدید های توخالی را به جدال نور ایرانی روانه کند. که البته در هر صورت آمریکا در کمال مکاری خود از صمم بکم عمی های داخلی و آلبانی نشین که مشغول انکار نور هستند یک قدم جلو تر است. و با سلاح شبخ طور خود به یک نبرد محکوم به شکست و آکنده از حرافه های اسبق روی آورده است.

زمانی که جهان درگیر جدال با خشم طبیعت بود و آمریکا که به قتلگاه قربانیان کرونا تبدیل شده بود مجال ایران ستیزی دائمی خود را نداشت،

پاتک اطلاعاتی ایران و ورود به میدان پنجم مبارزه کابوس یک دهه قبل را برای آمریکا به ارمغان آورد. پس از زمین، دریا، هوا، سایبر اکنون ایران در میدان پنجم یعنی فضا که نیمی از ماهواره ی نظامی حاضر در فضا متعلق به آمریکا هستند مهمان ناخوانده ی تمامیت خواهی آمریکا شد.

محشر ابابیل

به بهانه پنجم اردیبهشت، سالگرد عملیات طبس

مانده نیساری

و خداوند سربازانی از شن دارد و لشکریانی از باد. و در هر ذره زمین، حکمتی پنهان است و قدرتی لا یزال. ایمان بیاورید به این که درخت، ریشه گرفته از «لا»، به «إِلّا» می رسد و هیچ طاغوتی نمی تواند ریشه‌ش را بخشکاند. و دیدی که خداوند با اصحاب فیل چه کرد، وقتی به قصد حریم عشق، لشکر ابرهه تاخت؟ دیدی که نمرود را عاقبت چه از پای انداخت و دست‌های جبریل بر دهان فرعون لجه ای از گل زد؟ دیدیم و بسیاری دیدیم که درخت‌های آبیاری شده از خون شهید، با هیچ سیلاب و طغیان ویرانگری، از جای کنده نمی شود! ایمان آوردیم که خداوند، یاور ماست و بال‌های شیطان، برای همیشه بسته خواهد ماند. ایمان آوردیم که صدای قرآن، برتر از تمام سلاح‌های تاریخ است و هواپیماها مسخ می شوند و می سوزند؛ وقتی به آسمانی می رسد که نور ولایت، آن را روشن می کند... ابابیل، دانه‌های شن شدند و فیل‌های طاغوت و استکبار به خاک و خون کشیده شدند. در شامگاه چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹ ه.ش هفت فروند هواپیمای غول پیکر نظامی و هشت فروند بال گرد نظامی مجهز امریکایی مرزهای هوای جنوبی ایران را بدون کوچک ترین مقاومتی پشت سر گذاشته و وارد حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران می کردند. یکی از پاسگاه‌های مرزی عبور آنها را گزارش می دهد، اما به دلایلی نامعلوم به آن

گزارش ترتیب اثر داده نمی شود. هواپیماها و بال گردها پس از طی مسافتی بیش از هزار کیلومتر در حریم هوایی ایران بدون برخورد با هیچ گونه مانعی جهت سوخت گیری و احتمالاً برای هماهنگی شروع عملیات در یک فرودگاه متروکه - که در جنگ جهانی دوم در نزدیک رباط خان طبس توسط قوای متفقین ساخته شده بود - فرود می آیند. توطئه گران مجهز به تمامی تجهیزات نظامی و حتی تانک، موتورسیکلت‌های پر قدرت سریع و سنگین (تربل) اتومبیل جیپ و سلاح‌های مختلف بودند. زمان فرود اندکی قبل از نیمه شب چهارم اردیبهشت بود. یک اتوبوس مسافربری از کوره راه نزدیک عبور می کند. با پنتاگون تماس گرفته شد که چه تصمیمی در مورد چهل سرنشین اتوبوس بگیرند، دستور داده شد که تمامی مسافران را بازداشت نموده و درون یک هواپیما قرار داده و به طور موقت آنان را از ایران خارج سازند. یکی از ایرانیان گفت: آنها به ما گفتند که دوباره بر اتوبوس سوار می شویم، یک آمریکایی اتوبوس ما را به نزدیک هواپیمایی راند. او به ما گفت: پیاده شویم و سوار هواپیما گردیم. حساس ترین لحظات مأموریت فرا می رسید. یکی از مسافران ایرانی گفت: مادر حال سوار شدن به داخل هواپیما بودیم که ناگهان مشاهده کردیم یکی از هواپیماها آتش گرفت. حقیقت مطلب این بود که یکی از بال گردها در زمین از هواپیما بنزین گیری کرده بود، از زمین بلند شد تا بالگرد دیگری جهت سوخت گیری آماده شود، اما این لحظه خلل‌بان، بالگرد را به سرعت به سوی جلو راند. در این لحظه پروانه آن با بدنه هواپیما برخورد نمود و در همان موقع هر دو آتش گرفتند و هشت امریکایی هلاک گردیدند. هم چنین قبل از آتش سوزی یک کامیون به طرف جاده می آمد که راننده اش

پس از تیراندازی به سوی تانکر متواری شد. ترافیک غیر منتظره در جاده ای کویری و احتمال فاش شدن مأموریت، مرگ کماندوها و احتیاج فوری به رسانیدن زخمی‌ها به بیمارستان یک تصمیم بسیار دشواری را پیش می کشید که امریکایی‌ها باید هر چه زودتر صحرار را ترک کنند. زمانی باقی نمانده بود تا هواپیما خنک شود و آنها اجساد را بیرون بکشند. در عوض نجات دهندگان باید در مرحله اول خود را از این وضع می رهانند. پس به سوی هواپیما رفتند و سوار آن شدند و پا به فرار گذاشتند. یکی از کسانی که در این مأموریت نقش داشت، با حضور جیمی کارتر در مصاحبه مطبوعاتی پس از عملیات نافرجام نجات، جزئیات چندی از این مأموریت را فاش نمود، اما وزیر دفاع امریکا - هارولد براون - سترری تر برخورد می نمود و کم تر اطلاعات می داد. حضور کارتر در یک مصاحبه مطبوعاتی، آن هم درست چند ساعت پس از فرار امریکایی‌ها از خاک ایران با چشمانی سرخ و ورم کرده حاکی از بی‌خوابی، خشم، ترس و ناامیدی نشان دهنده این موضوع بود که می خواست به عوامل خود در درون ایران بفهماند که عملیات عقیم مانده و آنان را از ادامه برنامه بازدارد. آمریکا که تمام تلاش خود را در حمایت از رژیم شاه و بدنه جلوگیری از پیروزی انقلاب به کار بسته بود، با پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت خود را به عنوان پایگاهی برای طراحی و اجرای توطئه علیه

و خداوند سربازانی از شن دارد و
لشکریانی از باد. و در هر ذره زمین،
حکمتی پنهان است و قدرتی
لا یزال. ایمان بیاورید به این که
درخت، ریشه گرفته از «لا»، به
«إِلّا» می رسد و هیچ طاغوتی
نمی تواند ریشه نور را بخشکاند



سردمداران آمریکایی را به دنبال دارد. حادثه پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹، یادآور معجزه قرن در صحرای طبس است که مصداقی دیگر از سوره فیل را به رخ جهانیان و نیز از خدای بی خبران کشاند، تا آن ملحدان از خدای بی خبر به خود آیند و دست از شرارت ها و خبائثت های خود بردارند. زمانی دور، سپاه ابرهه با فیل های بزرگ برای تخریب کعبه راهی مکه شدند، تا در این سرزمین امن، جنایتی وحشتناک را رقم بزنند. مردم شهر که توان مقابله با این سپاه را نداشتند برای حفظ جان خود شهرها را خالی کردند و به کوهها پناه بردند و اراده خداوند به گونه دیگری محقق شد. انبوه پرندگان در آسمان ظاهر شدند و با سنگ هایی ریز، ابرهه و سپاهش و نیز فیل های بزرگ را از پای درآوردند: ((مکرو مکر الله و الله خیر الماکرین))

بود، فرا گرفته بودند و تسخیر آن لانه جاسوسی محصول حملات بی امان امام خمینی علیه امریکا بود. ایشان در یک سخنرانی تلویزیونی فرمودند: «چرا جوانان و طلاب ما ساکت نشسته اند و علیه آمریکا و توطئه های او نمی شورند؟ دو سه روزی از این بیانات نگذشته بود که لانه جاسوسی در تهران فتح گردید. شکست کوشش های دیپلماتیک و طرح های بسیار مزدورانه امریکا برای آزادسازی گروگان ها از اهمیت هائیهی بود که موجبات این تهاجم را فراهم ساخت. واقعه طبس، یک ماجرای شگفت تاریخی است که شکست هیمه و ابهت نظامی آمریکا را در برابر امواج اقتدار الهی انقلاب اسلامی در هماره تاریخ به یادگار نهاده است و بزرگداشت آن، به طور یقین اقتدار نظام و ذلت و خواری

بتواند با تاثیر بر آنها و نفوذ در ارتش، حرکت انقلابی مردم ایران را آسیب پذیر سازد. با اشغال لانه جاسوسی از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - که در حقیقت انقلاب دومی به وقوع پیوست - توطئه های مزدورانه امریکا در نفوذ، رسوخ و مسخ انقلاب اسلامی به شکست منجر شد. دست های خیانت بار همساز با شیطان بزرگ نیز در این ماجرا افشا گردید. لذا تهدیدات نظامی و اقتصادی از ابتدایی ترین اقدامات جهت غلبه بر این پیروزی بزرگ بود. امت مسلمان ایران از تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ که روز تسخیر جاسوس خانه امریکا بود در گرماگرم یک جریان حادثه ضد امریکایی قرار گرفته بود. البته مردم، مخصوصاً دانشجویان چنین مبارزه پر شور و خط مبارزاتی پیگیر را از رهبر انقلاب که امریکا را به بن بست کشانده

انقلاب تبدیل کرد؛ تا بتواند آن بخش از اقداماتش را که می توانست در پوشش دیپلماتیک برای شکست یا به انحراف کشاندن نظام نو پای اسلامی انجام دهد، با مرکزیت سفارت، به اجرا درآورد. افسران سازمان سیا با استفاده از شرایط نابامان بعد از انقلاب و درهم ریختگی و نامشخص بودن حوزه مسئولیت ها که نتیجه طبیعی هر انقلابی است، سعی کردند با نفوذ در مناطق کلیدی

و حساس، از تعمیق و گسترش هر چه بیشتر انقلاب اسلامی، جلوگیری کنند. لانه جاسوسی آمریکا با ایجاد شبکه های جاسوسی و اطلاعاتی، در پی آن بود تا با بحران آفرینی، تضعیف نیروهای اصل انقلاب و جایگاه و شخصیت حضرت امام و همچنین ایجاد گسست و شکاف میان رهبری و نسل جوان، فعال ترین و انقلابی ترین نیروی اجتماع را از رهبری دور کند؛ تا

فرصت آفرینی تحریم ها

تولیدمحوری، شرط اصلی شکل گیری ثبات اقتصادی

فاطمه شیخ محبوبی

از نوع تحریم که پایه های اقتصاد جامعه را هدف قرار میدهد، اگر با درایت نگرینسته شوند و تهدیدهای ناشی از آنها به فرصت تبدیل شود نه تنها ضرری را متوجه اقتصاد ما نخواهند کرد بلکه گاهی به نفع اقتصاد نیز تمام میشوند. راه پیشروی دولت ایران در حال حاضر کمک رسانی به بخش صنعت و تقویت ارگان های تولیدمحور اقتصاد ایران است. صنعتی که بر اثر تبعات ناشی از اجرای سیاست های نادرست به سوی نابودی قدم برمیدارد و هر لحظه که سپری می شود برای احیای دوباره آن حیاتی خواهد بود. هرچند الان بدترین موقعیت برای کاهش نرخ مالیات بر درآمد است، اما دولت باید در وضعیت بحرانی فعلی تا آنجا که میتواند مالیات واحدهای تولیدی را تخفیف بدهد. در عین حال باید بانک ها را ترغیب کرده تا اعتبارات خود را با نرخ بهره ارزانتر در اختیار واحدهای تولیدی بگذارند، تا این واحدها بتوانند دستکم در همین نقطه ای که هستند باقی بمانند و اندک مشاغل که بر جای مانده است، حفظ شود.

است اول اقتصاد کشور همیشه با تقویت بخش تولید گره خورده است. اگر ما در سالهای گذشته با مشکلات تحریم دست و پنجه نرم نمیکردیم، اگر عواقب و تبعات افزایش تحریم ها را با تدبیر و دقت اندازه گرفته بودیم و در مقابل آن راه حل هایی را سنجیده بودیم، حجم بزرگی از گرفتاری های امروز اقتصاد ما مجال بروز نمیافت. آنچه آشکار است اینکه فشارهای اقتصادی ای

مجموعاً یک رشد منفی اقتصادی بیش از ۱۴ درصدی را تجربه کرده است و به دیگر بیان اقتصاد ایران طی این بازه زمانی ۱۴ درصد کوچک تر شده است؛ در حالی که صادرات نفت ایران به کمتر از ۳۰۰ هزار بشکه در روز سقوط کرده است؛ در حالی که تازه ترین گزارش سازمان ملی بهره روری نشان میدهد برای اولین بار در ۵۰ سال اخیر مصرف سرمایه در ایران از میزان تشکیل سرمایه پیشی گرفته

از دلایل شکل گیری شرایط فعلی اقتصاد ایران، افزایش قیمت حامل های انرژی، حذف نادرست یارانه ها و سیاست نابخردانه ایست که در جریان طرح موسوم به هدفمندی یارانه ها از سوی دولت پیشین به اجرا درآمد. اگر مسئولان اقتصادی ما نگاهی تاریخی به تاریخ اقتصاد جهان داشتند و پیش از اجرای این سیاست ها کارنام اقتصاد انگلستان در دوران نخست وزیر ویری مارگارت تاچر را مطالعه کرده بودند، میدیدند که نتیجه محتوم اجرای چنین سیاست هایی نه تنها برهم خوردن سازوکارها و ساختار اقتصاد ملی خواهد بود بلکه روزه روز به فقر مردم دامن میزند و آنان را بیش از پیش به ورط فقر میکشاند، چنانکه اتفاق افتاد. در این بین، وقتی بدقابلی کاهش قیمت نفت در بازار جهانی نیز به این معجون اضافه شد، بحرانی را ایجاد کرد که اقتصاد آینده ایران در سایه آن به سر خواهد برد. در حالی که اقتصاد ایران از آغاز سال ۹۷ تا کنون

راه پیشروی دولت ایران در حال حاضر کمک رسانی به بخش صنعت و تقویت ارگان های تولیدمحور اقتصاد ایران است. صنعتی که بر اثر تبعات ناشی از اجرای سیاست های نادرست به سوی نابودی قدم برمیدارد و هر لحظه که سپری می شود برای احیای دوباره آن حیاتی خواهد بود. تخفیف مالیاتی به واحد های تولیدی و ترغیب بانک ها به در اختیار نهادن اعتبارات با نرخ بهره کمتر از جمله راهکار هایی است که می تواند، به رونق بیشتر تولید محوری در کشور کمک کند.

طغیان کالیفرنیا

پیروزی جنبش کالگریزیت تا چه حد محتمل خواهد بود؟

شکوفه الهی نیا



طبق تاریخ آمریکا، حدود دویست سال پیش مردی پای در قاره ی آمریکا گذاشت و با قتل عام کردن و به بردگی گرفتن بومیان سرخ پوست و سیاهپوست با سلاح هایی از جنس تبرهای تیز شده ی ساکن آن قاره، آنجا را برای ورود مهاجرانی از کشورهای اروپایی آماده کرد. سرخ پوستانی که نسل آنها را رو به انقراض میبردند و سیاهپوستانی که هنوز در سرزمین های خود، اگر حیوان حساب نشوند، به چشم انسان های درجه دوم به آنها نگاه میشود. و اینگونه آمریکا از شرق قاره آغاز شد و به مرور زمان آخرین ایالت های خود را در غربی ترین نقاط خود شکل داد.

به همین خاطر شرق آمریکا، محل تجمع اولین مهاجران، تبدیل به مرکز سیاست گذاری و غرب آن تبدیل به کیف پول برای مصارف جنگی و رفاه حال نقاط شرقی شد. حال چندین سال است که از غربی ترین ایالت آمریکا، یعنی کالیفرنیا، با بیشترین جمعیت و مساحت، رزمه های استقلال طلبی با نام کالگریزیت به گوش میرسد. رزمه هایی که با قدرت گرفتن ترامپ، برخلاف رای اکثریت مردم کالیفرنیا که به هیلاری کلینتون رای داده بودند، قوت گرفت و در این روزهای کرونایی بخاطر عدم رسیدگی به اوضاع بهداشت و بیمارانی این ایالت، تبدیل به همه مه شده است. چندی پیش رهبر حزب استقلال طلب آمریکا ویدیویی خطاب به مردم جهان در یوتیوب خود بارگذاری کرد و در آن از ایران درخواست حمایت کرد، همچنین اعلام داشت که کالیفرنیا با آمریکا تفاوت دارد و بجای جنگ، خواهان صلح است تا جایی که خود را مخالف جنگ های آمریکا با عراق و ویتنام اعلام کرد. وی میخواهد به کمک ایران، صدای کالیفرنیا از صداخفه کن های

آمریکا عبور کند و به گوش جهانیان برسد تا بتوانند در راستای استقلال خود قدمی بزرگتر بردارند. چرا که این ایالت واجد شرایط تبدیل به یک کشور میباشد و اگر بتواند به عنوان کشور اعلام استقلال کند، بخاطر وجود شهرهایی مثل لس آنجلس، سانفرانسیسکو، سن دیگو و... و وجود سینمای هالیوود و سیلیکون ولی که شرکت هایی مثل اپل، ای بی، فیسبوک، نت فلیکس و نمایندگی های بزرگترین شرکت های دنیا مثل سونی، مایکروسافت، توئیتر، یوتیوب، آمازون و... در آنجا قرار دارد و همچنین مهاجر پذیری بالای این منطقه، که البته بخاطر سیاست های ترامپ مبنی بر اخراج مهاجران و کشیدن دیوار بین ایالت هایی مثل کالیفرنیا با کشورهای مکزیک به مشکل برخورد، تبدیل به پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا میشود.

همین امر یکی از دلایلی است که آمریکا به شدت از جدایی کالیفرنیا میترسد چرا که مالیاتی که این ایالت به کاخ سفید میپردازد صرف جنگ و رفاه حال ایالت های شرقی

ممکن است و حتی با اینکه در قانون اساسی راهکارهای ظرفی برای استقلال ایالت ها ذکر شده، مقامات آمریکایی اجازه ی تحقق این امر را به هیچ یک از ایالت ها، مخصوصا کالیفرنیا، نمی دهند. در نتیجه احتمال اینکه کالیفرنیا با کاخ سفید وارد درگیری نظامی شود زیاد است. اما سرانجام درگیری نظامی بین کالیفرنیا و کاخ سفید که همه ی ایالات دیگر تحت سلطه ی آن هستند چیست؟ همانطور که گفتیم غیر از کالیفرنیا ایالات دیگری نیز هستند که به دلایل متعددی خواهان تقسیم آمریکا یا استقلال ایالت ها میباشند. پس اگر درگیری نظامی صورت پذیرد مردمان زیادی هستند که پا روی سوگند وفاداری خود به آمریکا گذاشته و از جنگ با کالیفرنیا سرباز میزنند و حتی شاید این ایالت ها با کالیفرنیا متحد شده و علیه آمریکا به پا خیزند.

علاوه بر آن قطعاً با روشن شدن شعله ی درگیری نظامی بین چند ایالت، ایالات خاموش نیز به جنب و جوش در می آیند و جبهه های را برای شرکت در آن انتخاب میکنند. میتوان حدس زد شهروندان جمهوری خواه در جبهه ی استقلال طلبان و دموکرات ها در جبهه ی حامیان کاخ سفید دیده شوند. در این جنگ داخلی که به نظر قریب الوقوع می آید، احتمال پیروزی تجزیه طلبان بعید نیست.

در پایان مروری کنیم بر جملاتی از سیدعلی خامنه ای:

همچنان که شکوه و جلال کشتی معروف تایتانیک مانع از غرق شدن آن نشد، تلاش برای آرایش ظاهر آمریکا و شکوه و جلال آن نیز مانع از غرق شدنش نیست و آمریکا غرق خواهد شد.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjomanalzahra

@anjoman_elslami_alzahra

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

۰۹۲۰۳۵۴۶۸۹۱

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: بهار سعیدی

سردبیر: مرضیه انبری

همکاران این شماره: شکوفه الهی نیا، فاطمه شیخ محبوبی، مانده نیساری

معصومه گرمی، مرضیه انبری، فاطمه علیزادینیا، بهار سعیدی

صفحه آرا: بهار سعیدی